

پشت‌بوم

قیمت نان وکیفیت هنری



حسین عبد‌الهاشم‌پور

● ۱- جامعه ایرانی می‌داند هروقت قیمت نان بالا می‌رود، کیفیت آن پایین می‌آید؛ کمااینکه کیفیت پرابد هشت میلیون تومانی، بهتر از پرابد ۲۰ میلیون تومانی بود. این پدیده غریبی است که شاید فقط یک ایرانی قادر به درک آن است؛ بنابراین احتمالا قابل درک است در حالی که بلیت سینما از دهه ۶۰ حدود هزار برابر شده، کیفیت فیلم‌ها بهتر نشده باشد و بسیاری مخاطباتی که همچنان در حسرت یک هامون دیگر از مهر جویی یا مسافران بیضایی ... هستند و هیچ نمی‌یابند. به‌همین‌ترتیب این قاعده را می‌توان به قیمت بلیت کنسرت موسیقی، تئاتر، کتاب و آثار تجسمی تسری داد و گفت مردم برای هنر خیلی بیشتر از گذشته پول می‌پردازند اما همچنان کیفیت دیروزها برایشان نوستالژی است. ۲- اگر «اخلاق» و «اقتصاد به‌شدت دولتی و نفتی» دلایل افت کیفیت کلای ایرانی است، شاید نتوان درباره سونامی افت کیفیت آثار هنری چنین مؤلفه‌هایی را درست دانست؛ تردیدی نیست هرنهمندی دوست دارد اثر هنری‌اش، یگانه باشد و کم‌فروشی در این وادی جز «خودزنی»، حاصل دیگری دربر ندارد؛ باید جست‌وجو کرد و علت‌های چنین معولگی را یافت؛ چه‌بسا سخت‌شدن زندگی و دشواری‌های امرامعاش، ممیزی‌های ساختاری، خودسانسوری ... و متغیرهای مستقلی باشند که دست در دست هم سبب شده‌اند تا مثلاً ترانه ماندگاری متولد نشود که همه شهر آن را زمزمه کنند؛ در حالی که چندین‌برابر دهه ۴۰ و ۵۰ خورشیدی شاعر و خواننده و نوازنده داریم... یاقتی علت‌های این فقدان ضروری است؛ زیرا این روزگار هم به آثار هنری شاخص نیاز مبرم دارد تا امضای این عصر باشد و بعدها بتوان گفت ما هم برای خود «هنری» داشتیم.

پرده نقره‌ای

شروع کم‌رمق فجرین الملل

● **بهناز شیربانی**؛ جشنواره بین‌المللی فیلم فجر در طول ۳۳ دوره برگزاری‌اش، میزان بسیاری از فیلم‌های ایرانی و خارجی بوده است و به‌ناگاه در سی و سومین دوره برگزاری، تصمیم بر این گرفته شده که بهتر است بخش بین‌الملل هویت دیگری به خود بگیرد و می‌تواند در قالب جشنواره‌ای مستقل حرفی برای گفتن داشته باشد. اماواکرهای بسیاری برای برگزاری مستقل جشنواره پیش آمده؛ از چگونگی پذیرش فیلم‌های خارجی گرفته تا دعوت از میهمانان خارجی و سایر مواردی که لازمه برگزاری جشنواره‌ای با استانداردهای بین‌المللی است.

امکان عضویت جشنواره‌های بین‌المللی فیلم ایران در فیایف ممکن نیست. همین دلیل نشان می‌دهد که طبعاً ایران نمی‌تواند جشنواره‌ای با استانداردهای بین‌المللی برگزار کند. «فیایف» (فدراسیون جهانی تهیه‌کننده‌های سینما) از جمله نهادهای بین‌المللی رسمی است که یکی از اهدافش تأیید جشنواره‌های بین‌المللی فیلم است. این تأییدیه اطمینان‌خاطری برای صاحبان فیلم‌ها و نمایش تولیداتشان در جشنواره‌های جهانی است و ازجمله اطمینان از نمایش نسخه کامل یک فیلم که این مهم در ایران و بنا بر مقررات ممیزی امکان‌پذیر نیست.

بسیاری از فیلم‌هایی که در جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، چه در جشنواره سی و سوم و چه در دوره‌های پیشین حضور داشتند، از جمله فیلم‌هایی‌اند که به‌لحاظ میزان سانسور و ممیزی در اندازه‌ای‌اند که می‌توانند در جشنواره قابل نمایش باشند یا فیلم‌هایی هستند که پیش از نمایش در جشنواره فیلم فجر، دی‌وی‌دی آنها بین مردم دست‌به‌دست شده است و دیگر هیجانی بابت تماشای دوباره برای مخاطب باقی نمی‌گذاردن.

از سوی دیگر، رونق جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، با حضور فیلم‌سازان مطرح دنیا بیشتر خواهد شد. از سال‌ها پیش تاکنون بسیاری از منتقدان و اهالی سینما از عدم حضور چهره‌های بین‌المللی در جشنواره فیلم فجر کله داشتند و این‌بار با برگزاری مستقل بخش بین‌الملل این کاستی بیشتر خودنمایی می‌کند.

سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، که ظاهراً مدت‌زمانی برای برگزاری هرچه‌بتر آن تلاش شده است در روزهای آغازین نتوانست توجه مردم و اهالی سینما را به خود جلب کند، چراکه در روزهای آغازین برگزاری جشنواره، شاهد انگشت‌شمار مخاطباتی بودیم که برای دیدن فیلم به سینماها آمده بودند.

شاید تنها مزیت برگزاری جشنواره فیلم فجر، با دارا بودن هردو جشنواره ملی و فراملی، این بود که برخی کاستی‌ها در سایه هیاهوی بخش ملی خیلی به چشم نمی‌آمد، بسیاری در همان روزهای برگزاری جشنواره، خیلی پیگیر عنوان فیلم‌های بخش بین‌الملل و میهمانانش نبودند و در آخر معرفی برگزیدگان سینمای ایران بود که اختتامیه جشنواره را کمی هیجان‌انگیزتر می‌کرد.

ک دلیل مخالفت شما با طرح ادغام ارکستر سمفونیک و ملی چیست؟

اصولا دلیل اینکه حاضر شدم دوباره بعد از شش سال بر سر کار برگردم، این بود که حس کردم با آمدن دولت جدید و آقای مرادخانی که او را می‌شناسم، فضای مناسبی برای کار ایجاد شده است و می‌توانم به فعالیت خودم ادامه دهم. رئیس جمهور محترم قول احیای ارکستر ملی و ارکستر سمفونیک را داده بود و از اول قرار بود دو ارکستر احیا شوند. من هم با این شرایط پذیرفتم که به سر کار بیایم. بر همین اساس بود که مشغول آماده‌کردن قطعات جدیدی شدم و از همکارانم هم دعوت به کار کردم. آزمونی هم گرفتیم برای انتخاب نوازندگان شایسته از کارشناسان درجه‌یک که معلم و استادان بسیاری از نوازندگان فعلی هستند مانند همایون رحیمیان، سیاوش ظهیرالدینی، علیرضا خورشیدفر، کریم قربانی ... استفاده کردیم. این آزمون حدود پنج، شش‌ماه قبل در تالار رودکی برگزار شد. پس از انجام آزمون، ۵۵ نفر برای ارکستر ملی انتخاب شدند ضمن اینکه به بودجه در نظر گرفته‌شده هم توجه کردیم یعنی تعداد افراد انتخابی براساس بودجه بود و اگر اعلام می‌شد به اندازه ۶۰ نفر بودجه دارند، نوازنده‌های خوب دیگری هم بودند که می‌توانستند در فهرست اعضای ارکستر ملی قرار بگیرند. این آزمون با دقت بالایی برگزار شد و امتیاز شرکت‌کنندگان مشخص و درجه‌بندی‌ها به‌صورت کتبی انجام شد، ما امیدوار بودیم ارکستر کارش را شروع کند، خودم هم شروع به کار کردم و از همکارانم خواستم آثار تازه‌ای بسازند. حتی تعداد آثار ساخته‌شده به‌قدری زیاد بود که برای آیین بازگشایی ارکستر ملی نمی‌دانستیم کدام‌یک از آنها را انتخاب کنیم. تصور من این بود که مسئولان به وعده‌شان عمل می‌کنند درحالی‌که به وعده رئیس‌جمهور عمل نشد و این موضوع مایه تأسف من است. در تمام جلساتی که برای احیای ارکستر سمفونیک برگزار شد، همواره بر دو مسئله تأکید داشتم که اولین نکته استقلال ارکستر ملی و دومین آن، در نظر گرفتن حقوق خوب و متناسب در شان نوازندگان بود. حتی برای اینکه بتوان شرایط را با بودجه سازگار کرد، پیشنهاد کردم به تناسب کارکرد نوازندگان، حقوق‌ها تعیین شود اما با این وجود، احساس من این است که تصمیم برای ادغام دو ارکستر از قبل گرفته شده بود و شنیده‌ام آقای رهبری از ابتدای ورودش گفت: ارکستر ملی را می‌خواهیم چکار؟! از آنجا که من و او دوستان صمیمی بودیم، در

به اقتصاد ارکستر بیندیشیم

اقتصادی‌شان می‌اندیشند. من شخصا آدمی نیستم که بگویم فقط موسیقی کلاسیک برایم معنا و لذت دارد، چون من هم مثل آدم‌های دیگر، جنبه‌های مختلف دیگری در زندگی‌ام دارم. گاهی هم دوست دارم با کسانی که طعم و مزه دیگری از موسیقی دارند همکاری کنم و این قضیه اتفاقا مثبت است. بنابراین نباید برای ایجاد تغییر در ارکستر هم سختگیری کرد. به نظر من ادغام این دو ارکستر مثبت است. با توجه به اینکه با این تعطیلی چندساله ارکستر، بسیار از پیشرفت موسیقی عقب مانده‌ایم، برای پیشرفت موسیقی این ادغام را مثبت می‌دانم چون ادغام‌شدن بهتر از این است که هیچ امیدی و کنارت نشستن بدون موسیقی درست می‌کنند از دو عادت شنیداری مختلف با سازهای مختلف تا دامنه مخاطبانشان گسترده شود. به‌هرحال این مسئله مطرح است که ارکستر‌ها طوری کار کنند که ورشکست نشوند. در ۱۰ سال اخیر شاید حدود ۷۰ ارکستر در آلمان منحل یا در هم ادغام شده است. این موضوع عوارض جانبی دارد و تعدادی از موزیسین‌ها کار ناآپشان را از دست می‌دهند اما منافع اقتصادی برای برقرارماندن ارکستر در پی دارد. حتی در آلمان که تعداد ارکستر سمفونیک‌هایش بسیار زیاد است و حتی در دهه‌وره‌ها هم ارکستر سمفونیک برقرار است و بیشترین تعداد ارکستر را در دنیا دارد، آنها همیدهداند که با شرایط مالی‌ای که هم‌اکنون حکمفرماست نمی‌توانند ارکستر سمفونیک را با کمک دولت پیش ببرند و به بهینه‌شدن وضعیت

شرق: زرين‌کلک اين روزها در ايران است. اين را

می‌توان از بزرگداشت‌هایی که به پاس حضور او در کشورش برگزار شود، فهمید. زرين‌کلک بعد از مهاجرت یک ساله به امريکا، به کشورش بازگشته و همین فرصتی شده است تا در میان دوستانش حاضر شود. زرين‌کلک به‌عنوان پایه‌گذار رشته آکادمیک انیميشن در ايران شناخته می‌شود و به‌غیر از آن در گرافیک، نقاشی و تصویرسازی نیز فعالیت کرده است. به تفاهش بخش فعالیت‌هایش در رشته‌های مختلف هنری، یکی از شب‌های بخارا، عصر یکشنبه، ششم اردیبهشت با همکاری بنیاد فرهنگی- اجتماعی ملت که در محل کانون زبان فارسی برگزار شد، به شب زرين‌کلک اختصاص یافت. همچنین نمایشگاهی از آثار او در هفته گرافیک که از هفتم اردیبهشت در خانه هنرمندان آغاز شده، در حال برگزاری است. منوچهر انور، کارگردان، نویسنده و مترجم که با سفر به ایران فرصت حضور در این جلسه را پیدا کرده بود، در سخنانی کوتاه در مورد زرين‌کلک گفت: «در هفت و هشت سال اخیر کاری مشترک با ایشان کرده‌ام با عنوان ملائصرالدین که نگارگری این اثر را دکتر زرين‌کلک برعهده داشت.» جواد مجابی، شاعر و نقاش نیز از همان ابتدای سخنانش از مهاجرت

هنر

فرهاد فخرالدینی:

وعده رئیس جمهور محقق نشد

سحر آزاد



سحر آزاد

فرهاد فخرالدینی ادغام دو ارکستر سمفونیک تهران و ارکستر ملی ایران را از بنیان، اشتباه می‌داند و معتقد است زمانی حاضر به همکاری مجدد با ارکستر ملی ایران است که هریک از این دو ارکستر استقلال خود را حفظ کرده باشند. اشاره او به تصمیمی است که روز شنبه، پنجم اردیبهشت به‌صورت رسمی از سوی علی رهبری در نشست خبری اعلام شد. در پی این اقدام، دو ارکستر در قالب یک ارکستر به نام ارکستر سمفونیک ملی ایران با مدیریت هنری علی رهبری فعالیت خواهند کرد. این اقدام درحالی صورت می‌گیرد که پیش از این علی رهبری به‌عنوان مدیر ارکستر سمفونیک تهران و فرهاد فخرالدینی در سمت رهبر ارکستر ملی ایران انتخاب شده بودند و حالا با یکی شدن این دو ارکستر، فرهاد فخرالدینی می‌گوید استقلال ارکستر ملی از بین می‌رود. به همین بهانه با او گفت‌وگو کردیم:

نگه داریم.

● **با توجه به صحبت‌هایتان، فکر می‌کنید ارکستر سمفونیک ملی ایران از عهده اجرای خوب موسیقی ملی برمی‌آید؟**

اگر بخواهند آثار تعدیل‌شده را اجرا کنند، این کار عملی است اما همین مسئله هم نیاز به شناخت دارد. همه از عهده اجرای موسیقی ایرانی برمی‌آیند مگر اینکه ارکستر ادغام‌شده بخواهد بخشی از موسیقی ما را که در فواصل موسیقی فرنگی نمی‌کنجد، اجرا کند که من به‌هیچ‌وجه حاضر به این کار نیستم. ما غیرت ملی داریم و باید هویت ملی خود را حفظ کنیم.

● **همان‌طور که خود شما هم اشاره کردید، جلساتی میان شما و علی رهبری برگزار شده است. در این جلسات بر سر چه موضوع‌هایی صحبت شد؟**

من در این جلسات گفتم که حاضر به همکاری با

ارکستر جدید نیستم. تا موقعی که ارکستر ملی و ارکستر سمفونیک، مستقل نشوند، حاضر به همکاری نخواهم شد. نه خودم در امور ارکستر سمفونیک دخالت می‌کنم نه اجازه می‌دهم کسی در کارهای ارکستر ملی دخالت کند.

● **پیش از ادغام دو ارکستر قرار بود ارکستر ملی مستقلا احیا شود، چه اقدامی از سوی دولت انجام شد و آیا بودجه‌ای در اختیار ارکستر قرار گرفت؟**

هیچ‌کاری از سوی آنها صورت نگرفت. در حقیقت هزینه نت‌نویسی‌ها را هم خود من باید جبران کنم. ● **یعنی بودجه‌ای در ارکستر داده نشده بود؟**

خیر، اصلا هنوز به اینجا نرسیده بودیم که بابت خرید آهنگ و... صحبت کنیم. من یک عمر است که با ایناژ کار می‌کنم و هنوز که هنوز است، با عشق فعالیت می‌کنم. در مقابل این کارها تنها انتظار داشتم قدر این زحمات را بدانند.

● **پس در این مدت تمرین یا دیداری با اعضای ارکستر نداشتید؟**

اصلا ارکستر تشکیل نشده بود که بخواهیم تمرینی انجام دهیم. تمام کار‌ها بر اساس صحبت‌های شفاهی انجام می‌شد. تاریخی را هم که برای بازگشایی ارکستر اعلام شد، خود من پیشنهاد کرده بودم چون قیلا قرار بود پیش از عید نوروز ارکستر ملی روی صحنه برود اما من قسمتی برای اینکه ارکستر حضور پررنگ‌تری داشته باشد و قطعات جدید هم آماده شود، ارکستر اردیبهشت بازگشایی شود. در سنی نیستم که تن به هرچیزی بدهم. موقعی حاضر به همکاری می‌شوم که ارکستر ملی و ارکستر سمفونیک از هم جدا باشند و استقلالشان حفظ شده باشد.

● **با توجه به تعطیلی طولانی مدت ارکستر ملی، فکر می‌کنید مهم‌ترین موضوعی که باید برای احیای آن به آن توجه کرد، چیست؟**

این کار به حمایت مسئولان نیاز دارد. وقتی قولی

داده می‌شود، آنقدر بدهدی نکنند. بگذارند خادمان

موسیقی ملی، کارشان را انجام دهند. مایه تأسف است

را که در فواصل موسیقی فرنگی نمی‌کنجد، اجرا کند که

من به‌هیچ‌وجه حاضر به این کار نیستم. ما غیرت ملی

داریم و باید هویت ملی خود را حفظ کنیم.

● **همان‌طور که خود شما هم اشاره کردید، جلساتی میان شما و علی رهبری برگزار شده است. در این**

جلسات بر سر چه موضوع‌هایی صحبت شد؟

من در این جلسات گفتم که حاضر به همکاری با

تعطیلی ارکستر، خطایی جبران‌ناپذیر

جلسه‌ای زمزمه‌های انحلال ارکستر شنیده می‌شد که من به‌شدت مخالفت کردم و گفتم باید تلاش کنیم و ارکستر را نگه داریم. برای همین به من پیشنهاد دادند که اگر شما می‌توانی ارکستر را نگه‌داری، ما استقلال می‌کنیم چون ما نتوانسته‌ایم چنین کنیم. به اروپا برگشتم و از کارهایی که ۲۷، ۲۸ سال آنجا انجام داده بودم، استعفا دادم و آدم. ارکستر را تا اردیبهشت ۸۹ نگه داشتم و بعد هم که ارکستر منحل شد، باز به ایران برگشتم و سعی‌ام بر این بود ارکستر سمفونیک تهران احیا شود و این اسم برپا بماند. سال گذشته نیز به‌عنوان رهبر دانم ارکستر کار کردم و قرار بود ارکستر با یک پایه‌گذاری خوب، حرفه‌ای و دقیق دوباره راه بیفتد، اما پیوسته به بهانه نبود بودجه به تعویق افتاد. وقتی هم بودجه آمد کار‌ها به تعویق افتاد تا اسفندماه سال گذشته‌بی‌اینکه مسئولان با من مذاکره‌ای کنند، در شرایطی که ۱۱ ماه بود برای راه‌اندازی دوباره ارکستر تلاش می‌کردم. فرد دیگری را جایگزین من کردند. حالا هم که به‌جای احیای این ارکستر، قصد دارند اسمنش را از تاریخ موسیقی خط بزنند. دلیلی ندارد این ارکستر‌ها نابود شوند. اگر کشور ما با این سرمایه و جمعیت، گوشه‌ای از اروپا واقع شده بود، هم‌اکنون لااقل ۷۰ ارکستر داشت. اگر امروز بنا نبود همین دو ارکستر نیز برهم زده شود، خطای بزرگی مرتکب شده‌ایم که جبران‌ناپذیر است.

اینکه خودشان مبتذل نباشند و پنجم اینکه دیگران را از شر آن نجات دهند. ابتذل بی‌نظمی زاده شر است.» در پایان نوبت به نورالدین زرين‌کلک رسید. او ضمن تقدیر از علی دهباشی برای برگزاری «شب‌های بخارا» گفت: «در اینجا درېغم آمد که از چند نام صرف‌نظر کنم که در راه زندگی همراه و هم‌نفس من بودند؛ از دوستان و آشنایان و دانشجویانی که لحظه‌ای هم رابطه خود را با من قطع نکردند. اساسا بدون همراهی‌های همکاران آنها همین آثار نیز میسر نمی‌شد. اکبر صادقی که صداهای فیلم‌هایم را بدون هیچ چشم‌داشتی کار کرد و پرویز کلاتری که اکنون در بستر بی‌هوشی و بیماری است و برایش آرزو می‌کنم که هرچه‌زودتر بهبود پیدا کند.»

او ادامه داد: «بسیار ممنونم به نکاتی اشاره کردید که خود من هم از آنها غافل بودم و این چیز تازه‌ای نیست. بسیاری از هنرمندان خودشان آگاه نیستند که چه چیزی می‌آفرینند و بعد مفسران آنها را معنا می‌کنند. از منوچهر انور متشکرم که در تصویرسازی ملائصرالدین من را یاری داد، از مجابی که با نظر دقیق و موشکافانه خود کارهای مرا دنبال کرد، از امید روحانی که منتقد سرشناس سینما در کشور ماست، سپاسگزارم.»

چهره روز

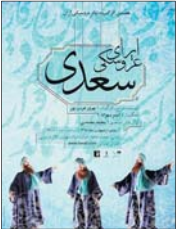
دستمزد یک میلیون دلاری «آی‌ام‌نات سالوادور» برای ریوالدو



● ریوالدو، بازیکن مشهور فوتبال برزیل و مرد سال فوتبال جهان در سال ۱۹۹۹ در دستمزد یک میلیون دلاری در فیلم «آی‌ام‌نات سالوادور» به ایفای نقش می‌پردازد. به گزارش مهر، «من سالوادور نیستم» با نام جدید «آی‌ام‌نات سالوادور» به تهیه‌کنندگی منصور سهراب‌پور و سیدامیر پروین حسینی و کارگردانی منوچهر هادی ساخته می‌شود. عوامل این فیلم به‌تازگی با ریوالدو، بازیکن معروف فوتبال برزیل، برای بازی در این فیلم به توافق رسیده‌اند و او با دستمزد یک میلیون دلاری مقابل دوربین منوچهر هادی خواهد رفت. پیش از این سهراب‌پور قرار بود فیلم سینمایی «پیراهن شماره ۹ رونالدو» را به کارگردانی محمدحسین لطیفی بسازد و حتی برای بازی رونالدو، بازیکن محبوب فوتبال برزیل، در این فیلم نیز قرارداد بسته باشد. مبلغ آن قرارداد نیز سه میلیون دلار بود اما از آنجایی که به‌دلیل تحریم‌ها علیه ایران، تهیه‌کننده نمی‌توانست پول را به حساب رونالدو پرداخت کند، ساخت این فیلم متغنی شد. سهراب‌پور برای ساخت سریال در شبکه نمایش خانگی با نام «ساخت ایران» نیز ریسک کرد و دستمزد بالایی را برای محمدرضا گلزار در نظر گرفت. همچنین کل تصویربرداری سریال در لبنان انجام شد و در حالی که عوامل، ساخت فیلم را با دلار هزار تومانی آغاز کردند، با رسیدن ارزش دلار به مبلغ سه‌هزارو ۲۰۰ تومان، ناچار به هزینه سه‌برابری برای این سریال شدند. با توجه به این مسائل باید منتظر عمده فیلم‌برداری آن در برزیل خواهد گذشت، با بازگشت سرمایه همراه خواهد بود یا خیر. رضا عطاران، یکتا ناصر، مهدی محرابی، ژیلآ صادقی، سوگل محرابی و چند بازیگر برزیلی در این فیلم به ایفای نقش می‌پردازند.

زیر آسمان فیروزه ای

عروسک‌های ابرای سعدی جان گرفتند



● ابرای سعدی در تهران روی صحنه رفت. این تئاتر عروسکی که قرار بود به مناسبت روز سعدی در شیراز نمایش داده شود، به‌دلیل عدم صدور مجوز از این بارماند و با یک هفته تأخیر در تهران به نمایش درآمد هرچند که این اثر در خردادماه به شیراز نیز می‌رود. بهروز غریب‌پور، کارگردان تئاتر، درباره اجرای ابرای سعدی از سوی گروه تئاتر «آران» به ایلنا گفت: «هفتم اردیبهشت بعد از مدت‌ها کش‌وقوس، سرانجام ابرای عروسکی «سعدی» در میان استقبال تماشاگران و حضو حمایتی مسئولان اداره کل هنرهای نمایشی و دفتر موسیقی روی صحنه رفت.»

سرپرست گروه تئاتر «آران» در ادامه از پیش‌فروش بلیت‌های ابرای «سعدی» تا پایان هفته چهارم اجرا خبر داد و افزود: «در نخستین اجرای نمایش، اعلام کردم قصد به‌صحنه‌بردن ابرای «خیام» را دارم که البته کار ساده‌ای نیست و در نظر گرفتن جوانب متعدد را می‌طلبد.» غریب‌پور که قصد داشت ابرای عروسکی «سعدی» را اول اردیبهشت‌ماه در شیراز رونمایی کند، به آغاز برنامه‌ریزی به همین منظور اشاره کرد: «مذاکرات با مسئولان شیراز و مرکز سعدی‌شناسی آغاز شده است و به این ترتیب امیدوارم بتوانیم این نمایش را بعد از انجام مراحل اداری و دریافت مجوزهای لازم، نیمه دوم خردادماه در شیراز روی صحنه ببریم.»

نویسنده و کارگردان ابرای عروسکی «سعدی» اظهار امیدواری کرد بتواند این نمایش را روز هفدهم خرداد در زادگاه این شاعر روی صحنه ببرد. ابرای «سعدی» با همراهی آواگرانی چون محمد معدمی، استاد اسحاق انور، علی زندوکیلی، روشک کی‌منش، سحر محمدی، مهرداد ناصحی، حامد قهیبی، محمد فرزین ذوالقدر، علیرضا مهدی‌زاده، عبدالکریمی، وحید ابوالقاسم، ابوالفضل باقریان و فرهاد خزری هرروز ساعت ۱۹ به مدت ۱۱۰ دقیقه در تالار فردوسی بنیاد رودکی روی صحنه می‌رود.